

مقاله علمی

نقوش صخره‌ای نویافته نرگسه شهرستان چگنی، استان لرستان

محمد بهرامی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹)

چکیده

لرستان از استان‌های واقع در غرب ایران است که در منطقه طبیعی-فرهنگی زاگرس مرکزی قرار گرفته است. این استان به دلایل مختلف از جمله شرایط زیست‌محیطی و پتانسیل‌های بالای معیشتی، از دیرباز مورد توجه و اسکان جوامع بشری بوده است. یکی از بااهمیت‌ترین شواهد ردپای انسان در پهنه سرزمین لرستان نقوش صخره‌ای آن است. در جریان بررسی باستان‌شناسی شهرستان چگنی در سال ۱۳۹۵ به منظور ثبت آثار باستانی شهرستان چگنی، مجموعه‌ای نقاشی و نقش‌کنده صخره‌ای شناسایی شد. این نقوش بر روی دیواره یک پناهگاه صخره‌ای و صخره‌های پیرامون آن در ضلع شمالی روستای نرگسه از توابع شهرستان چگنی ایجاد شده‌اند. مجموعه مورد بحث، ترکیبی از رنگین‌نگاره‌ها و نگارکندها هستند که رنگین‌نگاره‌ها با دو رنگ قرمز (اخراپی) و سیاه ایجاد شده‌اند که از این نظر با نقاشی‌های صخره‌ای معرفی شده در غارهای میرملاس و هومیان در شهرستان کوه‌دشت و دوشه در شهرستان چگنی قابل‌مقایسه هستند. نگارکندها هم به دو شکل کنده شدن بر سطح صخره‌ها و ایجاد خطوط به صورت خراشیده ایجاد شده‌اند. موضوع اصلی این نقوش صحنه شکار حیوانات وحشی بومی منطقه همچون بز کوهی توسط انسان با سلاح گرز و احتمالاً نیزه با همراهی و کمک سگ است. انسان در این میان در دو حالت پیاده و سواره نقش شده است. با بررسی این مجموعه متنوع از نقوش صخره‌ای و تکیه بر اطلاعات مردم‌شناسی از مردم لرستان، نگارنده معتقد است به تصویر کشیدن صحنه شکار بز کوهی توسط انسان دلیلی بر اهمیت جانوران شکاری در سبد غذایی آنها و جایگاه اجتماعی برتر و اسطوره‌ای افراد و شکارچینی است که دارای مهارت و توانایی در امر شکار هستند.

کلیدواژه‌ها: لرستان، نرگسه، نقوش صخره‌ای، رنگین‌نگاره، نگار کند

مقدمه

نقوش صخره‌ای از نظر انجام مطالعات تاریخ هنر، باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از مستندترین مدارک در نمایش مفاهیم باستان‌شناسی اجتماعی محسوب می‌شوند. این گونه نقوش از کهن‌ترین آثار تاریخی و هنری به‌جای‌مانده از بشر هستند که نمونه‌های متعددی از آنها در نواحی مختلف پراکنده هستند (سبزی و همی ازندریانی، ۱۳۹۹). رفیع‌فر از هنر صخره‌ای به عنوان یک هنر جهانی یاد می‌کند که در بین هنرهای شناخته‌شده دیگر، نه تنها بیشترین قدمت را دارد، بلکه جایگاه ویژه‌ای نیز به خود اختصاص داده است. این هنر توانسته اولین جلوه‌های شناخته‌شده از حساسیت هنری و زیباشناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نواحی جهان با بیانی معنادار به معرض نمایش بگذارد (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۴۶). آنچه مسلم است، اهمیت وجودی این شواهد هنری ساده و بی‌نظیر است که نخستین تلاش‌های بشر برای ایجاد یک اثر هنری ماندگار است. موضوعات این نگاره‌ها که بیشتر درباره نقش جانوران و شکار آنها توسط انسان در کنار برخی موتیف‌های گیاهی و نمادین است، همواره مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده و این نقوش را از دریچه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد نقوش این جانوران را فقط نباید در چارچوب ارزش اقتصادی و خوراکی آنها تحلیل کرد، زیرا همان‌گونه که فرخ نیا (۱۳۸۱: ۸۴) به نقل از ریموند فرث بیان کرده است: «تعداد زیادی از نیازها، که پایه و اساس زندگی اقتصادی جوامع سنتی را تشکیل می‌دهند؛ ماهیتی غیرمادی دارند» یا آن‌گونه که مشیری می‌گوید، این جانوران نماد اقتصادی اجتماعی جوامع گذشته‌اند» (۱۳۸۰: ۵).

پیشینه پژوهش

پژوهش درباره هنر صخره‌ای و شناخت و معرفی آنها در فلات ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد. در سال ۱۹۵۸ زمانی که گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی برای کشف و استخراج مواد معدنی در منطقه بلوچستان مشغول به کار بودند، به طور تصادفی تعدادی نقوش صخره‌ای در منطقه گزو کشف کردند. این نخستین پژوهش در زمینه شناسایی و معرفی نقوش صخره‌ای در ایران بود (Dessau, 1960). چارلز مک بورنی نخستین کسی بود که پس از بررسی و مطالعه نقاشی‌های

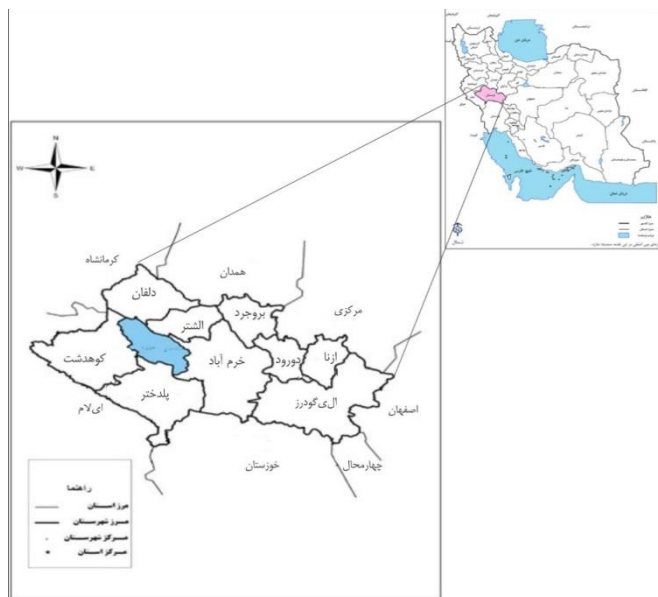
صخره‌ای غارهای دوشه و میرملاس در لرستان، گزارشی از این نقوش به چاپ رسانید (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۶-۱۴). از مهمترین و گسترده‌ترین سنگ‌نگاره‌های ایران، مجموعه نقوش صخره‌ای تیمره است که نتیجه مطالعه آنها در مقالات مختلف و کتابی جامع در سال ۱۳۷۷ منتشر گردید (فرهادی، ۱۳۷۷). ارسباران از دیگر مناطقی است که دارای نقوش صخره‌ای مهمی است که رفیع‌فر در کتابی مفصل به تشریح نقوش صخره‌ای آن پرداخته است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴). امروزه شواهد فراوانی از نقوش صخره‌ای در فلات ایران شناسایی و معرفی شده است که نام بردن و اشاره به همه آنها ناممکن است.

استان لرستان یکی از مناطق مهم باستان‌شناسی ایران است که از دوره پارینه‌سنگی تاکنون دارای فرهنگ‌ها و استقرارهای شناخته‌شده و مهمی است. شهرستان چگنی در میان دو شهرستان خرم‌آباد و کوه‌دشت در نیمه غربی لرستان واقع شده است (تصویر ۱) و رشته ارتفاعات سفیدکوه مرز شمالی این شهرستان را با شهرستان‌های سلسله و دلفان تشکیل می‌دهد (تصاویر ۲ و ۳). استان لرستان از نظر هنر صخره‌ای دارای پیشینه‌ای پربار بوده و در جهان شناخته شده است. رنگین‌نگاره‌های غارهای میرملاس و هومیان در شهرستان کوه‌دشت و غار دوشه در شهرستان چگنی از نخستین و مهمترین شواهد نقوش صخره‌ای شناسایی شده در ایران هستند (ایزدپناه، ۱۳۴۸؛ بورنی، ۱۳۴۸؛ گاراژیان و همکاران، ۱۳۸۰؛ Remacle & et al, 2006; al, 2006). امروزه در فلات ایران این مطالعات گسترش یافته و شواهد بیشتری از نقوش صخره‌ای رنگین‌نگاره (وحدتی، ۱۳۸۹؛ Karimi, 2014; Ghasimi & et al, 2014) و نگارکند (سبزی و همتی ازندیانی، ۱۳۹۹؛ عرب و هورشید، ۱۳۹۶؛ محمدی‌فر و همتی ازندیانی، ۱۳۹۳؛ Ghorbani & Heydarian, 2018) در نواحی مختلف ایران شناسایی و معرفی شده‌اند. صحنه‌های مربوط به این نقوش متنوع و متفاوت هستند، اما بیشترین نقش بر روی این صخره‌ها مربوط به جانورانی همچون بز کوهی و صحنه شکار آن توسط انسان است.

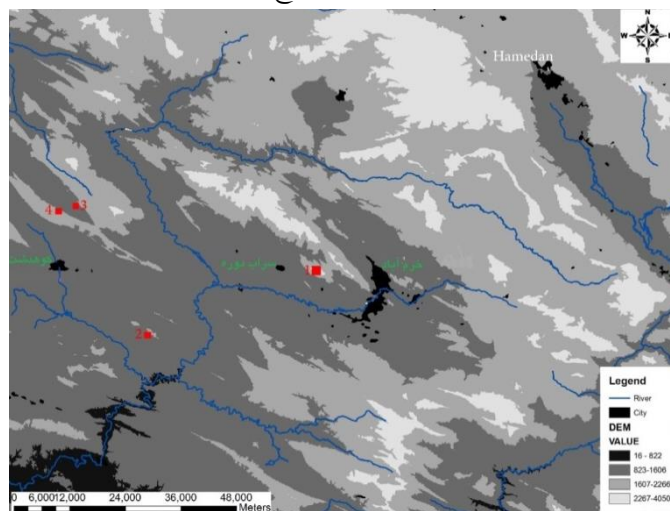
موقعیت جغرافیایی منطقه

استان لرستان در غرب ایران و منطقه طبیعی-فرهنگی زاگرس مرکزی واقع شده است. شهرستان چگنی^۱ در نیمه غربی استان لرستان دارای ۱۶۲۸ کیلومتر مربع است و مرکز آن شهر سراب‌دوره است. چگنی از شرق با شهرستان خرم‌آباد، از جنوب با شهرستان پلدختر، از غرب با کوه‌دشت و از جانب شمال با شهرستان‌های سلسله و دلفان هم‌مرز است (نقشه ۱). این شهرستان فاقد دشت‌های وسیع کشاورزی است، ولی به دلیل کوهستانی بودن و وجود مراتع و جنگل‌های پرپشت، دارای پتانسیل بالای دامداری است. شهرستان چگنی، به دلیل واقع شدن بر معبر ارتباطی دره خرم‌آباد با غرب (طهران و سیمره) همواره مورد توجه جوامع انسانی در گذشته بوده است. مهم‌ترین پدیده‌های طبیعی و زیست‌محیطی این شهرستان، یکی رشته‌کوه سفیدکوه در شمال است که مانند مانعی طبیعی مرز شمالی را تشکیل می‌دهد و دیگری رودخانه کشکان است که از شمال‌غرب پس از عبور از تنگه گاشمار^۲ وارد این شهرستان می‌شود و در جنوب این شهرستان با پیوستن به رودخانه خرم‌آباد وارد شهرستان پلدختر می‌شود. نرگسه^۳ نام روستایی در ۵ کیلومتری شرق شهر سراب‌دوره، مرکز شهرستان چگنی، و ۲۶ کیلومتری شمال‌غرب خرم‌آباد است. این روستا در دامنه‌های جنوبی ارتفاعات سفیدکوه قرار دارد. مجموعه نقوش صخره‌ای در ۲۵۰ متری شمال و کناره شمالی روستا با موقعیت جغرافیایی "48° 04' 46" طول و "33° 34' 36" عرض جغرافیایی و ارتفاع ۱۳۱۰ متری از سطح دریا در درون یک پناهگاه صخره‌ای و پیرامون آن قرار دارند (تصاویر ۳ و ۴). پناهگاه صخره‌ای نرگسه در ۱۹ کیلومتری شمال‌شرق غار دوشه و حدود ۶۵ کیلومتری شرق غارهای همیان و میرملاس قرار دارد (تصویر ۲).

1 Chegeni
2 Gashemar
3 Nargeseh



تصویر (۱) - موقعیت شهرستان چگنی در غرب خرم‌آباد و شرق کوه‌دشت از سالنامه آماری استانداری لرستان، اصلاح شده



تصویر (۲) - موقعیت نقوش صخره‌ای منطقه (۱. نرگسه، ۲. دوشه، ۳. هومیان، ۴. میرملاس)، نگارنده، ۱۱ فروردین ۱۳۹۹

توصیف نقوش صخره‌ای نرگسه

در جریان بررسی باستان‌شناسی شهرستان چگنی در سال ۱۳۹۵ که به منظور ثبت آثار فرهنگی در فهرست آثار ملی به انجام رسید، مجموعه‌ای متنوع از نقوش صخره‌ای که شامل رنگین‌نگاره‌ها و نگارکندها بود، شناسایی گردید. این مجموعه متنوع شامل ۵۸ نقش هستند که به دو دسته رنگین‌نگاره‌ها، (در دو رنگ اُخرایی و سیاه) و نگارکندها تقسیم می‌شوند.



تصویر (۳) - موقعیت نقوش صخره‌ای در شمال روستای نرگسه در جنوب ارتفاعات سفیدکوه،

نگارنده، ۲۴ آبان ۱۳۹۸

رنگین‌نگاره‌ها (Pictographs): از نظر فراوانی در هنر صخره‌ای، نسبت تعداد رنگین‌نگاره‌ها به نگارکندها در دنیا بسیار کمتر است. تعداد آنها در ایران نیز انگشت‌شمار است. در این نوع هنر صخره‌ای گاهی مانند نقوش غار دوشه با زغال و گاه به مانند نقوش میرملاس و هومیان با مواد معدنی به رنگ قرمز ترسیم شده‌اند. رنگین‌نگاره‌ها برای اینکه در معرض نابودی و محو شدن در

اثر بارش‌ها نباشند، در درون پناهگاه ایجاد شده‌اند (تصویر ۴) و بر اساس نوع رنگ استفاده شده در آنها به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف: صحنه شکار به رنگ اُخرایی: این مجموعه یک صحنه شکار را به نمایش می‌گذارد که بر روی دیواره پناهگاه به رنگ قرمز اُخرایی ایجاد شده است. متأسفانه تعدادی از این نقوش به دلیل عوامل طبیعی و انسانی محو شده‌اند و فقط اثری از رنگ آنها بر جای مانده است. از مجموع ۱۷ نقش قابل تشخیص، ۹ نقش کامل دیده می‌شود و در ۸ نقش دیگر قسمت‌هایی از بدن آنها مانند پاها یا شاخ آنها باقی مانده است (تصاویر ۵ و ۷). به احتمال زیاد کسانی که این نقوش را خلق کرده‌اند، از خاک اُخرایی نزدیک پناهگاه برای ایجاد این نقوش استفاده کرده‌اند.

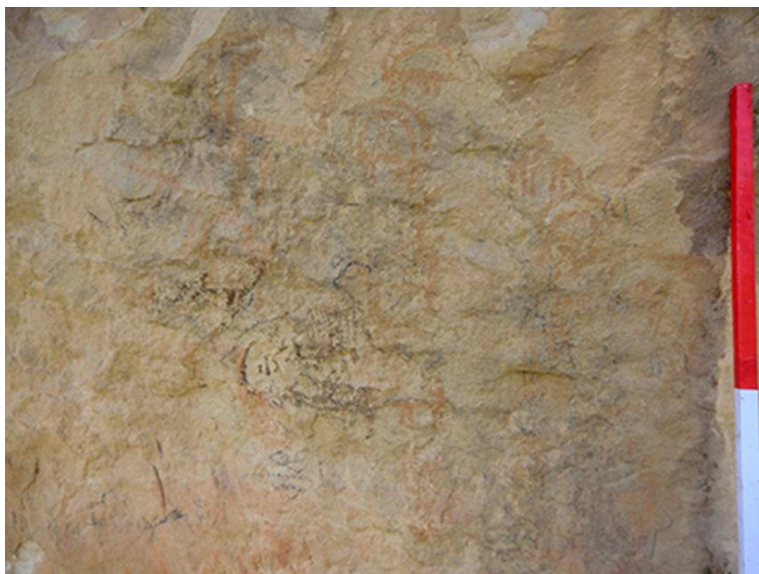


تصویر (۴) - پناهگاه صخره‌ای نرگسه و محل ایجاد رنگین‌نگاره‌ها، نگارنده، ۱۷ مهر ۱۳۹۸

این صحنه شکار یک انسان سوار بر اسب با گریزی به حالت حمله در دست را نشان می‌دهد که همراه با دو سگ، ۱۴ بز کوهی را تعقیب می‌کنند. این نقوش، به جز یکی از سگ‌ها که به سمت راست نقش بسته شده، همگی به سمت چپ ترسیم شده‌اند. در این مجموعه فقط

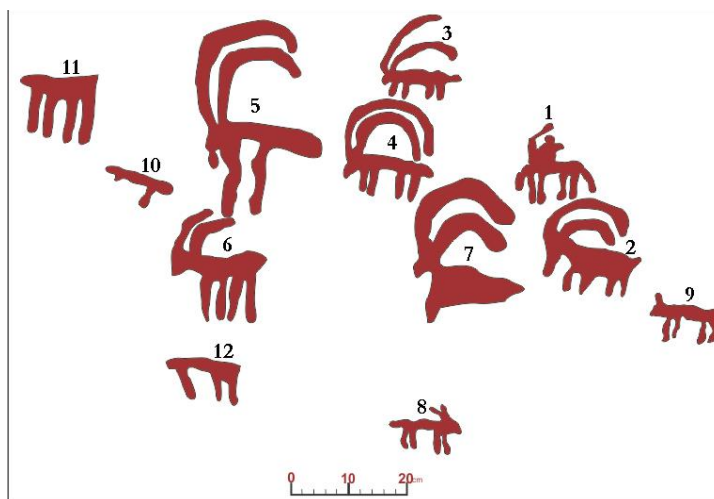
نقش یک انسان دیده می‌شود. اسبی که انسان بر آن سوار است، نیم‌رُخ نشان داده شده، اما هر چهار پای آن ترسیم شده است. از شکل سر، دُم و بدن آن می‌توان مطمئن بود که نقش یک اسب است. این نقش در سمت راست و بالای صحنه قرار دارد (تصویر ۶: ۱). نقاش در این صحنه تلاش کرده است بزهای وحشی را به صورت طبیعی نشان دهد. به همین خاطر آنها را در ابعاد و اندازه‌های مختلف نشان داده است. نقش شماره ۲ که دقیقاً در زیر و چسبیده به نقش اسب‌سوار قرار دارد، یک بز کوهی با شاخ‌های بلند و برگشته به عقب را نشان می‌دهد که در حال تاخت و فرار است. بدن و سر این بز به صورت نیم‌رخ تصویر شده است، ولی هر چهار پا و دو شاخ آن که تا نزدیکی دُم آن می‌رسد، نشان داده شده است. طول این بز ۱۶ و ارتفاع آن ۱۸ سانتی‌متر است (تصویر ۶: ۲). نقش شماره ۳ نیز یک بز کوهی است که دارای طول و ارتفاع ۱۲×۱۲ سانتی‌متر است. شاخ‌های این بز نیز تا نزدیکی دم آن است و چهارپای آن هم در حالت ایستاده ترسیم شده‌اند. در بین بزهای کوهی این صحنه، این نقش از همه کوچک‌تر است که تداعی‌کننده یک بز جوان است. این نقش در مرکز بالای صحنه قرار دارد (تصویر ۶: ۳). نقش شماره ۴ در بالای صحنه و در زیر نقش شماره ۳ قرار دارد. این نقش هم یک بز کوهی را با شاخ‌های برگشته تا نزدیکی دُم با چهار پا و طول و ارتفاع ۱۴×۱۴ سانتی‌متر نشان می‌دهد. حالت این بز نیز ایستاده ترسیم شده است (تصویر ۶: ۴). نقش شماره ۵ بزرگ‌ترین نقش صحنه با ارتفاع ۲۶ و طول ۲۵ سانتی‌متر است که البته با احتساب بخش‌هایی از عقب نقش که محو شده است، طول آن بیشتر از این بوده است. شکل شاخ‌های این نقش که به بالا رفته و به عقب برگشته، یک بز کوهی بزرگسال را تداعی می‌کند. این نقش در بالای صحنه و جلوی نقش‌های شماره ۳ و ۴ قرار دارد (تصویر ۶: ۵). نقش شماره ۶ در زیر نقش شماره ۵ با ابعاد ۱۹×۱۹ سانتی‌متر قرار دارد. شکل شاخ‌ها شبیه بزکوهی شماره ۵ است که بخش‌هایی از نوک شاخ محو شده است (تصویر ۶: ۶). نقش شماره ۷ یک حیوان فاقد شاخ را با گوش‌های رو به بالا و دُم نشان می‌دهد که با توجه به ابعاد کوچک‌تر (۱۲×۱۱ سانتی‌متر) و شکل پوزه آن به احتمال زیاد یک سگ اهلی است که در جریان شکار فرد سواره را کمک می‌کند. این تصویر در مرکز پایین صحنه قرار دارد و بر عکس همه نقوش به سمت راست ترسیم شده است (تصویر ۶: ۷). نقش شماره ۸ که در جلوی پایین نقش اسب‌سوار ترسیم شده است، شاخ‌ها و بخش جلویی بدن آن

قابل رؤیت است و کاملاً مشخص است که یک بز کوهی با شاخ‌های بزرگ است. ابعاد این تصویر ۲۵×۲۰ سانتی‌متر است (تصویر ۶: ۸). نقش شماره ۹ نخستین تصویر در سمت راست است که با توجه به اندام کوچکش، فاقد شاخ بودن و شکل گوش‌هایش به نظر یک سگ است (تصویر ۶: ۹). در این صحنه ۹ نقش دیگر قابل تشخیص است که البته کامل نیستند و بخش‌هایی از بدن آنها محو شده است. در نقش شماره ۹ فقط بدن و دو پا از آن قابل تشخیص است، نقش شماره ۱۰ بدن و چهار پای آن قابل تشخیص است، ولی سر آن دقیقاً مشخص نیست، در نقش شماره ۱۱ بخشی از بدن و پاهای آن مشخص است، در نقش شماره ۱۲ بخشی از بدن، سر و شاخ‌های آن دیده می‌شود (تصویر ۶: ۹-۱۲). در سمت چپ و پایین صحنه نشانه‌هایی از وجود حیوانات چهارپا به رنگ قرمز دیده می‌شود که به دلیل صدمات ناشی از عوامل طبیعی و انسانی نوع حیوان قابل تشخیص نیست (تصویر ۵). به احتمال، هنرمند و نقاش در این صحنه با ایجاد تنوع در ابعاد نقوش تلاش داشته وجود گله‌ای از بز کوهی در سنین گوناگون را تداعی کند.



تصویر (۵) - نمایی نزدیک از صحنه شکار ایجادشده بر پناهگاه صخره‌ای نرگسه به رنگ

اخرايي، همان

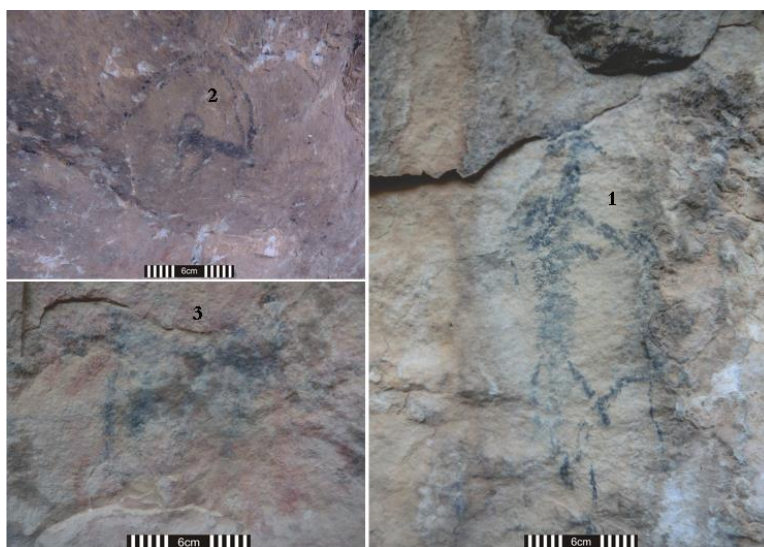


تصویر (۶) - طرح نقوش اخرای بر جای مانده از صحنه شکار پناهگاه صخره‌ای نرگسه، ۲۵ دی ۱۳۹۸، نگارنده

ب: تک‌نگاره‌ها به رنگ سیاه: این نقوش با رنگ سیاه بر روی دیواره درونی پناهگاه صخره‌ای و صخره‌های پیرامون آن به صورت تکی یا دوتایی و بدون ارتباط موضوعی با هم ترسیم شده‌اند. تعداد این نقوش در مجموع ۱۶ عدد است که شامل ۱۴ بز کوهی و ۲ انسان است. دو نقش انسانی به صورت ایستاده و از روبرو ترسیم شده‌اند. در یکی از این دو نقش که دارای ارتفاع ۱۸ و عرض ۵ سانتی‌متر است، از حرکت دستانش مشخص است که رو به سمت راست دارد و با یک جانور یا انسان دیگر که نقش آن نامشخص است، در حال نبرد است. نوع ایستادن فرد و وجود کلاهی تاج‌مانند بر بالای سر فرد، به وضوح صحنه‌های نبرد شاه با شیر را در نقوش برجسته تخت جمشید تداعی می‌کند (تصویر ۷: ۱). انسان دوم در این نقوش با لباس ترسیم شده است. لباس بلند این فرد که تا زیر زانوی آن آمده است، لباس گری موسوم به شال و ستره^۱ را به یاد می‌آورد که در برخی آثار هنری هزاره اول پ.م. نیز شبیه آن دیده می‌شود (میرمحمدی تهرانی، ۱۳۸۰: ۶۶). تصویر بز کوهی در برخی از این نقوش به صورت توپُر نشان داده شده است (تصویر ۷: ۲) و در برخی دیگر به صورت خطوطی که داخل آنها خالی است

1 Seterah

(تصویر ۷: ۳). شاخ این نقوش بلند و برگشته به پشت است که در برخی از آنها شاخ به صورتی اغراق‌آمیز و بزرگ‌نمایی شده از بدن هم عقب‌تر رفته است و اغلب دم آنها به صورت برگشته بر روی پشت ترسیم شده است. اندازه آنها بین ۲۰-۱۰ سانتی‌متر است (تصویر ۷: ۲).



تصویر (۷) - نمونه‌ای از رنگین‌نگاره‌های موجود در پیرامون پناهگاه نرگسه به رنگ تیره،

نگارنده، ۲۴ آبان ۱۳۹۸

نگارکندها (Petroglyphs): در این نوع هنر صخره‌ای، انسان با استفاده از روش کوبشی یا خراش و با استفاده از یک شیء فلزی یا یک سنگ سخت‌تر نقش خود را بر روی صخره ایجاد می‌کند (وحدتی، ۱۳۸۹: ۱۴). مانند رنگین‌نگاره‌ها، نگارکندهای نرگسه هم به دو دسته صحنه شکار و تک‌نگاره‌ها تقسیم می‌شوند:

الف: صحنه شکار: این مجموعه شامل دو صحنه شکار است که بر سطح صخره‌های کناره شمالی روستای نرگسه و ۲۰۰ متری جنوب پناهگاه صخره‌ای ایجاد شده‌اند. ابعاد این تصاویر بین ۲۰-۱۰ سانتی‌متر است و با کندن بخش‌هایی از صخره به صورت خطوط ترسیم شده‌اند.

صحنه شماره ۱: در این صحنه، ۱۲ تصویر وجود دارد: دو بز کوهی، دو انسان اسب‌سوار، دو انسان پیاده، چهار سگ، یک درخت و یک تصویر نمادین (تصویر ۸). این گونه به نظر

می‌رسد که سه انسان (تصویر ۸: ۱، ۳ و ۴) و دو سگ (تصویر ۸: ۷ و ۸) موجود در صحنه اصلی، یک بز کوهی (تصویر ۸: ۹) را محاصره کرده‌اند. در واقع صحنه پایانی یک تعقیب و گریز را به نمایش می‌گذارد که در پایان بز کوهی در دام طراحی دقیق شکارگران گرفتار شده است. درخت در سمت راست صحنه قرار دارد (تصویر ۸: ۱۲). تنه آن با یک خط عمودی نشان داده شده که شاخه‌های آن با خط‌های کوتاه افقی در دو طرف از تنه جدا شده‌اند. در امتداد بالای درخت یک انسان نقش شده است که به ظاهر غیرمسلح به نظر می‌رسد (تصویر ۸: ۳). در سمت چپ این فرد و بالای صحنه یک فرد اسب‌سوار ترسیم شده است که با دست چپ افسار اسب را گرفته است و به نظر می‌رسد در دست راست که انگشت‌های آن بسیار بزرگ نشان داده شده است، سلاحی شبیه شمشیر دارد و در جهت راست در حال حرکت است (تصویر ۸: ۱). در زیر این اسب‌سوار و مرکز صحنه، نقش یک بز کوهی با شاخ‌های بلند و برگشته به عقب قرار دارد که رو به سمت راست دارد (تصویر ۸: ۹). چسبیده به پشت بز کوهی نقش یک سگ ترسیم شده است که اندازه آن از بز کوهی کوچک‌تر است و رو به بز کوهی دارد (تصویر ۸: ۷). یک انسان پیاده که دستان خود را باز کرده است و مشخص نیست که مسلح است یا نه در پشت سر سگ تصویر شده است (تصویر ۸: ۴). به نظر می‌رسد این فرد رو به سمت راست است و مانند سگ، بز کوهی را دنبال می‌کند. در سمت چپ صحنه یک نقش نمادین دیده می‌شود (تصویر ۸: ۱۱). در زیر تصویر بز کوهی و سگ پشت سر آن، نقش یک سگ دیگر ترسیم شده است (تصویر ۸: ۸). تصویر این سگ به وسیله نقش یک بز کوهی، که بعداً ایجاد شده است، و بدن آن به صورت خطوط نقطه‌چین ترسیم شده، مخدوش شده است (تصویر ۸: ۱۰). سگ سوم به فاصله ۲۰ سانتی‌متر در شرق صحنه اصلی (تصویر ۸: ۵)، اسب‌سوار دوم به فاصله ۳۰ سانتی‌متری شمال‌غرب صحنه اصلی (تصویر ۸: ۲) و سگ چهارم در زیر این اسب‌سوار (تصویر ۸: ۶) همگی به سمت راست ترسیم شده‌اند. اینگونه القا می‌شود که این سه نقش آخری، با اطمینان از نهایی شدن شکار بز کوهی در حال ترک صحنه هستند.

صحنه شماره ۲: به فاصله ۷ متری شرق این نقوش، صحنه شکار دیگری ترسیم شده است که شامل یک انسان پیاده، یک بز کوهی و یک سگ می‌شود (تصویر ۹). در این صحنه، بز کوهی با دم برگشته بر پشت، ریش آویزان و شاخ‌های برگشته به عقب به سمت راست نشان داده شده است (تصویر ۹: ۲). انسانی پیاده با دستان باز روبروی بز کوهی ایستاده است و با یک

شیء نامشخص در دست، قصد شکار و به دام انداختن آن را دارد (تصویر ۹: ۱). در این میان یک سگ هم از پشت سر بز کوهی را تعقیب می‌کند (تصویر ۹: ۳). در این صحنه مانند صحنه قبلی تصاویر بسیار نزدیک و چسبیده به هم ترسیم شده‌اند.

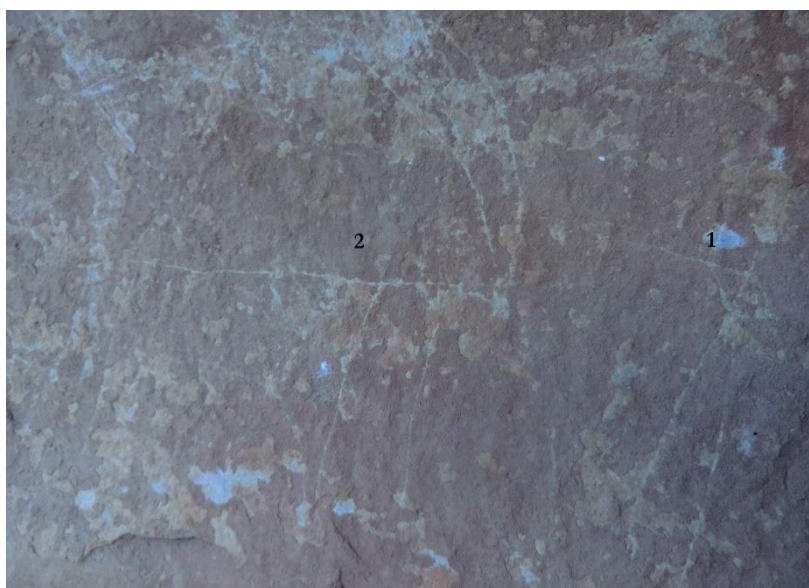


تصویر (۸) - نگارکند با موضوع صحنه شکار، همان



تصویر (۹) - نگارکند با موضوع صحنه شکار، همان

ب: تک‌نگاره‌ها: این نگارکندها به طرزی بسیار ساده با خراش دیواره پناهگاه و پیرامون آن ایجاد شده‌اند. موضوع این نقوش هم انسان و بز کوهی است. این مجموعه شامل ۱۲ بز کوهی و ۲ انسان می‌شوند. به جز یک مورد که انسانی با کمان یا تفنگ (تصویر ۱۰: ۱) روبروی یک بز کوهی (تصویر ۱۰: ۲) در حال تیراندازی است، بقیه نگاره‌ها به صورت منفرد و بدون ارتباط موضوعی با هم در ابعاد ۱۸-۱۰ سانتی‌متر ترسیم شده‌اند.



تصویر (۱۰) - نمونه‌ای از نگارکندهای ساده و ابتدایی در مجموعه نقوش صخره‌ای نرگسه، همان

تحلیل نقوش

سنگ‌نگاره‌ها در گستره وسیعی از جغرافیای گیتی پراکنده‌اند و تقریباً در تمام کشورها مشاهده شده‌اند. شاید از نخستین پرسش‌هایی که با دیدن نقوش صخره‌ای در ذهن هر فردی نقش می‌بندد، انگیزه و زمان ایجاد این‌گونه آثار هنری است که هر گونه پاسخی به این دو پرسش با چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی همراه است. در مبحث مربوط به انگیزه ایجاد این نقوش نظرات

متفاوتی پیشنهاد شده است. آنچه روشن است، انگیزه و هدف ایجاد این نقوش فقط به منظور خلق یک اثر هنری صرف نبوده است. این آثار هنری ایجاد شده بر روی صخره‌ها را ابزاری برای بیان اندیشه یک شخص یا گروه دانسته‌اند که علاوه بر انگیزه اندیشه‌نگاری، اهدافی همچون اعتقادی، جادویی، ارتباطی، انتقالی، روایتی و رویدادی، هنرنمایی و تفنن، محیطی و تعیین قلمرو را برای آنها بیان کرده‌اند (گاردنر، ۱۳۶۵: ۳۱؛ گوران، ۱۳۷۰: ۲۸۴). برخی این آثار هنری را با شمنیزم و مراسم جادویی آنها در منطقه سیبری ارتباط داده‌اند که برخی از پژوهشگران ایرانی نیز درباره آن صحبت کرده‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۴). با گذری به توصیف بیان‌شده در بالا از نقوش صخره‌ای نرگسه، موضوع اصلی این نگاره‌ها را شکار بز و کل وحشی می‌یابیم که بازتابی از اهمیت این موضوع در بین مردم آفریننده آنان است. بر این اساس، مجموعه نقوش نرگسه بیش از آنکه یک اثر هنری و زیبایی‌شناختی صرف باشد، در چارچوب یک اندیشه‌نگاری جادویی - اعتقادی یا شاید روایتی-رویدادی قابل تفسیر است. اهمیت شکار و جایگاه شکارچی در میان مردم لرستان از گذشته‌های دور تاکنون همواره در ذهن روایتی و اعتقادی آنها برجسته بوده است. یکی از این روایت‌های اعتقادی-اسطوره‌ای، داستان فردی است که پس از زدن هزار شکار در بین مردم منطقه جایگاه اسطوره‌ای پیدا می‌کند. آنچنان که در روایت‌های زبانی تاکنون آمده است، این فرد در حالی که در لحظه به انجام رساندن هزارمین شکار خود است، به ناگاه جانور (کل یا بز) با ایستادن بر روی دو پای خود و بلند کردن دست‌ها اظهار عجز و تسلیم شدن می‌کند. از این زمان، شکارچی سلاح خود را به کنار می‌نهد و برای همیشه شکار را متوقف می‌کند. در یکی از صحنه‌های نقوش نرگسه که جانوری روبروی فردی بر روی دو پای خودش ایستاده و دست‌ها را بالا برده، این روایت در ذهن بازآفرینی می‌شود (تصویر ۷: ۱).

یکی از نقایص مطالعات مربوط به هنر صخره‌ای در ایران، نبود یک گاهنگاری مطلق^۱ است که با وجود این نقص ما مجبوریم به گاهنگاری مقایسه‌ای، تحلیل‌های سبک‌شناختی و مطالعات

۱ امروزه در دنیا برای تاریخ‌گذاری رنگین‌نگاره‌ها از روش نمونه‌برداری کربن از رنگ‌دانه‌ها و انجام آزمایش رادیوکربن (C14) یا طیف‌سنجی جرمی شتاب‌دهنده (AMS) و برای تاریخ‌گذاری نگارندها از روش مطالعات میکروسکوپی میزان خوردگی و سایش لبه بلورهای معدنی سنگ و تعیین سرعت فرایند کندشدگی در سطوح مجاورتی که سن آنها معلوم است، استفاده می‌شود.

شمایل‌نگاری برای ارائه تاریخ نقوش صخره‌ای پردازیم. رنگین‌نگاره‌های نرگسه از نظر تکنیک اجرا، موضوع و رنگ به کار رفته در آنها با نقوش میرملاس، هومیان و دوشه قابل مقایسه هستند. به عنوان مثال، رنگین‌نگاره‌های هومیان شامل سه صحنه شکار است که به رنگ قرمز تصویر شده‌اند و شاخص گاهنگاری آنها نقش اسب‌سوار است. گاهنگاری ارائه‌شده برای این نقوش دوره زمانی هزاره دوم پ.م. تا دوران تاریخی را دربر می‌گیرد (ایزدپناه، ۱۳۴۸، بورنی، ۱۳۴۸، گاراژیان و همکاران، ۱۳۸۰، Remacle & et al. 2006؛ Otte & et al, 2003). در مجموعه نقوش صخره‌ای نرگسه، وجود دو حیوان اهلی سگ و اسب در تاریخ‌گذاری نقوش مفید است. بر اساس شواهد باستان‌شناختی، سگ اولین حیوانی است که در حدود ۱۴۰۰۰ سال پیش در شرق مدیترانه اهلی شده است (Davis & Valla, 1978). شواهد سگ اهلی در ایران نیز در حدود ۵۵۰۰ پ.م. یافت شده است (Hole, 2002). پژوهش‌های اخیر درباره زمان اهلی شدن اسب نشان می‌دهد که اهلی شدن اسب در آغاز عصر مفرغ (۳۰۰۰ پ.م.) در آسیای مرکزی رخ داده است (Damgaard & et al, 2018). در ایران این تاریخ را هزاره دوم پ.م. و همزمان با ورود آریایی‌ها به فلات ایران می‌دانند (McBurney, 1969). بر این اساس تاریخ‌گذاری نقوش نرگسه به پیش از هزاره دوم پ.م. نمی‌رسد. گام بعدی بررسی استقرارهای باستان‌شناختی پیرامون نقوش است. در نزدیکی پناهگاه صخره‌ای نرگسه دو استقرار «مالگه اکبر» و «کلگه درب‌چاه» مربوط به دوره تاریخی پارتی و ساسانی شناسایی شده است. سایت مالگه اکبر در فاصله ۱۰۰ متری نقوش و در شمال روستای نرگسه قرار دارد. منطقه چگنی در این دوره بیشترین استقرارها را دارد و در دوره اسلامی به ندرت استقراری شناسایی شده است (بهرامی، ۱۳۹۲، حیدری، ۱۳۸۴). بر این اساس محتمل‌ترین تاریخ پیشنهادی برای نقوش صخره‌ای نرگسه، دوره‌های تاریخی عصر آهن تا دوره ساسانی است، هر چند باید اذعان کرد که همه تاریخ‌های پیشنهادی برای نقوش صخره‌ای آمده در بالا، بر پایه علمی دقیقی استوار نبوده و در غیاب سن‌سنجی مطلق، فقط یک گمانه‌زنی پیشنهادی بر اساس تحلیل نقوش است.

بررسی دقیق نقوش و موتیف‌های گوناگون، ظن ایجاد آنها در دوره‌های مختلف را تقویت می‌کند. در بخش مربوط به رنگین‌نگاره‌ها به نظر می‌رسد رنگین‌نگاره‌های به رنگ اخراپی، قدیمی‌ترین بخش از این نقوش باشند، زیرا در برخی نقاط صحنه، شواهد ایجاد رنگ سیاه بر

روی رنگ قرمز دیده می‌شود و سبک ایجاد آنها در کنار نگارندهایی که دو صحنه شکار را به نمایش می‌گذارند، یکسان است. در مجموع با مقایسه موضوع سه صحنه شکار (صحنه رنگین‌نگاره به رنگ قرمز اخراپی و دو صحنه نگارکند) که شکار توسط انسان سواره با کمک و همراهی حیوان سگ انجام می‌گیرد، سبک ایجاد نقوش و تشابه بالای آنها، احتمالاً زمان ایجاد آنها به یک بازه زمانی مربوط است. پیرامون تاریخ ایجاد نقوش منفرد، آنچه مسلم است، با توجه به سبک متفاوت و متنوع آنها زمان ایجاد تک‌نگاره‌ها (نگارکندها و رنگین‌نگاره‌های سیاه‌رنگ) یکسان نیست و به مرور در دوره‌های پسین‌تر ایجاد شده‌اند.

همان‌طور که در توصیف نقوش بیان شد، مجموعه نقوش صخره‌ای نرگسه در دو دسته کلی صحنه‌های شکار بز کوهی که نمایش‌های گروهی را عرضه می‌کنند و تک‌نگاره‌های جداگانه از انسان و جانوران هستند. در این میان و در دو مورد یک نمونه نقش گیاهی و یک نمونه تصویر نمادین هم دیده می‌شود. در دوران پارینه‌سنگی که بیشترین زمان زیست بشر را به خود اختصاص داده است، جانوران مختلف منبع تأمین خوراک اصلی انسان به حساب می‌آمدند که با روش‌های مختلف به شکار آنها می‌پرداختند. شواهد باستان‌شناسی در هزاره‌های نهم و هشتم پیش از میلاد در محوطه‌های نوسنگی آغازین در زاگرس مرکزی و لرستان گویای تلاش مردمان آن دوره برای اهلی‌سازی بز و گوسفند وحشی است. از آن پس، گله‌داری و پرورش دام به منظور کنترل و مدیریت تولید خوراک یکی از روش‌های غلبه بشر بر ناملايمات طبیعت به شمار می‌آید. در همین راستا، پیشه اصلی مردمان لرستان از دیرباز تا قرون متأخر، دامداری مبتنی بر کوچ‌روی بوده است. اغلب این مردمان، پاییز و زمستان را در سرزمین‌های پست جنوب‌غرب ایران و بهار و تابستان را در ارتفاعات لرستان سپری می‌کردند و در کنار آن بخشی از معاش خود را از طریق شکار حیوانات وحشی تأمین می‌کردند. لرستان با دارا بودن کوهستان‌های مرتفع، دشت‌های میان‌کوهی سرسبز و بارش سالانه‌ای با میانگین ۵۰۰ میلی‌متر، از نظر زیست‌محیطی، سرزمینی غنی به حساب می‌آید. بزکوهی فراوان‌ترین حیوان وحشی در طبیعت لرستان است و ارتفاعات سفیدکوه در شمال مجموعه نقوش صخره‌ای نرگسه، یکی از زیستگاه‌های طبیعی این حیوان است. در گذشته‌های نه‌چندان دور، شکار در میان مردمان لر، تنها جنبه خوراکی و برآورده شدن نیاز معیشتی نبود. در سرزمین لرستان تا چند دهه گذشته، فردی

که دارای توانایی بالایی در شکار بود، در جامعه از شأن و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بود و فردی که در سابقه خود هزار شکار را با موفقیت به انجام رسانده بود، جنبه‌ای اسطوره‌ای پیدا می‌کرد. چنین طرز نگرشی، ترکیبی از اهمیت وحوش در تغذیه این مردمان و بازتابی از سنن اجتماعی، تفکرات فرازمینی و پیشینه اسطوره‌ای آنان بوده است. بنابراین، صحنه شکار در نقوش صخره‌ای نرگسه که با نقوش صخره‌ای میرملاس، هومیان و دوشه قابل هم‌سنجی هستند، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت شکار در سبب معیشت مردمان آن زمان و بازتابی از ریشه وجودی این طرز نگرش تاریخی-اجتماعی در بین جوامع لرستان باشد که شواهد استقرار آن‌ها در کنار این نقوش شناسایی شده است.

سپاسگزاری: نگارنده از راهنمایی آقای منصور رضوی، مسئول میراث فرهنگی شهرستان چگنی، در بازدید از این نقوش صخره‌ای تشکر می‌کند.

منابع

- ایزدپناه. حمید (۱۳۴۸). نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان. مجله باستان‌شناسی و هنر ایران. ۳-۱۴-۶.
- بورنی. مک (۱۳۴۸). گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت. ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان. باستان‌شناسی و هنر ایران. ۳-۱۶-۱۴.
- بهرامی. محمد (۱۳۹۲). گزارش بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های فرهنگی بخش شاهینوند شهرستان چگنی لرستان. مرکز اسناد پژوهش‌کده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- حیدری. احمد (۱۳۸۴). گزارش بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های فرهنگی بخش چگنی شهرستان خرم‌آباد لرستان. مرکز اسناد پژوهش‌کده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- رفیع‌فر. جلال‌الدین (۱۳۸۱). سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سرنگون). مجله نامه انسان‌شناسی. ۱(۱). ۴۵-۷۶.
- (۱۳۸۴). سنگ‌نگاره‌های ارسباران. تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
- سبزی. موسی و همتی ازندریانی. اسماعیل (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد. استان لرستان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۲۵(۱۰). ۹۱-۱۱۲.
- عرب. کاظم و هورشید. شقایق (۱۳۹۶). نگارنده‌های کوچری گلپایگان. تحلیل و گونه‌شناسی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۱۴(۷). ۱۴۰-۱۲۳.

- فرخ‌نیا. رحیم (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- فرهادی. مرتضی (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد. تهران. دانشگاه علامه طباطبائی.
- گاراژیان. عمران عادل. جلال و پایلی‌یزدی. لیلی. (۱۳۸۰). سنگ‌نگاره‌های تازه کشف شده هومیان. مجله انسان‌شناسی. ۱(۲). ۸۴-۱۰۰.
- گاردنر. هلن (۱۳۶۵). هنر در گذر زمان. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران. آگاه.
- گوران. آندره لوروا (۱۳۷۰). تأملی درباره هنر غارها. ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر. نامه علوم اجتماعی. ۲.
- محمدی‌فر. یعقوب و همتی‌ازندریانی. اسماعیل (۱۳۹۳). معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر. فصلنامه علوم اجتماعی. ۶۴. ۴۰-۶.
- میرمحمدی تهرانی. نیلوفر (۱۳۸۰). بررسی و طبقه‌بندی مفرغ‌های لرستان در موزه ملی ایران باستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- مشیری. سید رحیم (۱۳۸۰). جغرافیای کوچ‌نشینی. تهران: سمت.
- وحدتی. علی‌اکبر (۱۳۸۹). بوم‌های سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌ای در استان خراسان شمالی (جربت و نرگس‌لوی علیا). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری استان خراسان شمالی با همکاری حوزه اداره کل روابط عمومی. امور فرهنگی و اجتماعی - اداره برنامه‌ریزی نشر.
- Damgaard. P. B. & et al (2018). **The First Horse Herders and the Impact of Early Bronze Age Steppe Expansions into Asia**. *Science ear*. 7711. 1-230.
- Davis. S.J.M. & F.R. Valla. (1978). **Evidence for Domestication of the Dog 12000 Years Ago in the Natufian in Israel**. *Nature* 276. 608-610.
- Dessau. G. (1960). **Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan, East and West**. 11(1). 258-266.
- Ghasimi. T. C. Barfi and Norouzi. R. (2014). **Newly found pictograms from Abdozou Rockshelter, Firouzabad, southern Zagros, Iran**. *Rock Art Research*. 31(2). 199-204.
- Ghorbani. H. R. & Heydarian. M. (2018). **Rock art site of Nakhlestān in Nehbandān, eastern central Iran**. *Rock Art Research*. 35 (2). 251-253.
- Hole. F. (2002). **Forthcoming Domesticated Dogs, the Persian Gazelle Hound and Susiana Societ**. Archaeological Investigations in Iran: essays on Iranian Archaeology presented to F. Bagherzadeh. Tehran.
- Karimi. E. (2014). **The Rock Paintings of Kuh-e-Donbeh in Esfahan, Central Iran**. *Arts*. 3. 118-134.
- McBurney. C. B. M. (1969). **Palaeolithic excavations in the Zagros area**. *Iran* 8. 185-186.
- Otte. M. J. Adeli and Remacle. L. (2003). **West Iranian rock art**. *International Newsletter on Rock Art*. 37. 3-10.
- Remacle. L. M. Lejeune. J. Adeli. S. Mohammadi and Otte. M. (2006). **Art rupestre de Homian, province de Lorestan, Iran**. *Anthropozoologica*. 41(2) 13-27.